

افسانه های مردم سیرجان

هفتاد و هفت افسانه بر روایت ۴۵ راوی سیرجانی

مجتبی شول افشارزاده

نخمه نورمندی پور

نشر فرهنگ عامه

۱۳۹۴

سرشناسه	شول افشارزاده، مجتبی، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	افسانه‌های مردم سیرجان: ۷۰ قصه و افسانه به روایت ۴۵ راوی سیرجانی / مجتبی شول افشارزاده، ترجمه نورمندی پور
مشخصات نشر	کرمان: فرهنگ عامه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۴۴۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۵۴۹-۲۹-۲:
وضعیت فهرست نویسی	فیا
عنوان دیگر	هفتاد قصه و افسانه به روایت ۴۵ راوی سیرجانی
رצוע	افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی - سیرجان
شماره افزوده	نورمندی پور، نجمه، ۱۳۶۳ -
رده‌بندی کنفره	۱۳۹۴ ۸۷۳۷PII ۹ ش ۹ س /
رده‌بندی دبیر	۲۰۹۵۵۷۲۳۶/۳۸۱:
شماره کتابشناسی	۴۱۰۴:

نشر فرهنگ عامه

افسانه‌های مردم سیرجان؛ مجموعه و نسان به روایت ۴۵ راوی سیرجانی

مجتبی شول افشارزاده و نجمه نورمندی پور

طرح جلد: اثر محمد شول (۸۰)

صفحه‌آرایی: موسسه گدروزیای بدون مرز

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: عرشی

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، روبروی پاساژ مهستان

بن پست سرود، شماره ۱۰، واحد ۴، تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۴۸

دفتر کرمان: چهارراه شهید باهنر (ناصریه)، ساختمان میلاد نور، طبقه دوم

Email:

۰۹۱۳۹۳۹۸۷۳۳

Farhange_ame@yahoo.com

نشر فرهنگ عامه

پیشگفتار	۹
مقدمه پروفیسور اولریش مارزلف	۱۱
مقدمه دکتر محمد جعفری قنوانی	۱۹
مقدمه گردآورندگان	۲۱
یدالله محمودآبادی:	
اسب چهل گره	۳۵
رندانه	۴۳
ملاکرامت خوش نظر:	
دختر خن و برف	۴۹
ماهک و عارف	۵۷
طیبه رمضان جلالی:	
قاطیکو	۶۳
هفت برادران	۶۷
گل نمندو	۷۳
کوزه وو	۷۵
نیم کونکو	۸۲
دش یدالله نصرت آبادی:	
شاه عباس در اسارت دختر	۹۱
خضر و طفل عرب	۹۵
پریسا شهیدی:	
کچلک و اسب شاخدار	۱۰۳
جیران شول:	
خرموش لنگ و دختر توی آب	۱۱۹
سبز تر از سبز	۱۲۵
بهیار شیبانی تدرجی:	
سوار بر غول	۱۲۹
هفت خلقه آتش	۱۳۳
زیر آوار	۱۳۵
روح الله سالاری:	
روباه پوستین دوز	۱۳۹
درویش شکاری:	
خریدن خواب ارباب	۱۴۵
میرزا و دیو	۱۵۱
محمد شول:	
در مسیر حاتم طائی	۱۶۱
آل و قوم شول	۱۶۷
عباس بهینه:	
پسر سیرجونی و انگشتر شاه عباسی ..	۱۷۱
بتول هاشمی معصومی:	
سنجد پخته و کونک سوخته	۱۷۷
محمد مقدس:	
خدا و پوست پیاز	۱۸۱
فاطمه خوش نظر:	
هرچمینو	۱۸۵
رحمت فرزاد:	
درخت چهل آواز	۱۹۳
بی بی ملکه صالحی:	
علاء بخشی و عابد کوه طور	۱۹۹
برات محمودآبادی:	
عقرب سوش	۲۰۳
ادعای پیرمرد و پسر شاه عباس	۲۰۹
روز تقسیم عمر	۲۱۵
سگی در کعبه	۲۱۹
سید و درویش و عام	۲۲۱
ستاره بیاتی:	
چغونی و آدوری	۲۲۵
حاجی کار دوست:	
عقد دختر عمو و پسر عمو	۲۲۹
پسر خارکن و مردان آبی	۲۴۱

ناهید نورمندی پور:

نخودو ۲۵۵

سلطنت گلزاری:

سرخ‌دیفه دختر فقیر ۲۶۱

عوض و عوضی‌واکن ۲۶۵

محمد صداقت:

خروس طلا ۲۷۵

اصغر جعفرآقایی:

آدم‌یزاد دوسر ۲۸۳

غلام‌حسن شول:

علی بابا مول ۲۸۷

کریم شیبانی تدرجی:

حضرت موسی و هارون ۲۹۳

شمشیر چوبی ۲۹۷

کموئی پر آب و آتش ۳۰۱

مضان ۳۰۵

کلاغ کور ۳۰

دختر خارگن و دیو آدم‌خوار ۳۱۱

دادخدا محیاپور:

ملا و بزخرها ۳۱۹

حیدریگ و دختر کشمیری ۳۲۵

معظمه اسفندیاریور:

بز ریش سفید ۳۳۳

کبری گلزاری:

فانز و پری‌زاد ۳۴۱

فلک‌ناز ۳۴۵

جلال غلام‌حسین پور:

هنر شاه‌عباس ۳۵۱

آجر سخنگو ۳۵۳

مژگان موسی پور:

دختر اشک‌مرواریدی ۳۵۷

زیبا شول:

شرط پادشاه ۳۶۵

امیر شول افشارزاده:

آب حیات در سرزمین ظلمات ۳۶۹

غلامعلی محمودآبادی:

کوسه و دختر پادشاه ۳۷۵

ستوده:

کک به تنور ۳۸۱

محمد پورامینایی:

«نود و نه» و «صد» ۳۸۷

محمود فقیه‌میرزایی:

حضرت خضر در زیدآباد ۳۹۱

فاطمه سالاری:

خاله‌خاتین جان ۳۹۵

مولافلی شیبانی تدرجی:

جنگ رستم‌نامه ۴۰۱

محمد صالحی:

مه‌ا خدا بزرگ! ۴۰۵

رخساره شول:

خبر من آگه خروس باشه ۴۰۹

یارعلی محیاپور:

اکبر پادشا ۴۱۳

اکبر نورمندی پور:

ملا موسی رطلنر ۴۱۹

هنر رمضان‌جلالی:

زهره گلو ۴۲۵

اکبر محمودآبادی:

ممد کم‌زهره ۴۲۹

شیشه عمر دیو ۴۳۵

پیشگفتار

توضیحی بر سه مقدمه این کتاب:

سه مقدمه بر کتاب «افسانه‌های مردم سیرجان» نوشته شده است؛ قبل از خواندن مقدمه، توضیحی کوتاه در مورد آنها ضروری است.

مقدمه اول را «سور» اولریش مارزلف، رییس «انجمن جهانی قصه‌های عامیانه» بر کتاب «افسانه‌های مردم سیرجان» نوشته است. کتاب قبل از انتشار برای پرفسور مارزلف در آلمان فرستاده شد که ایشان با بزرگواری تمام کار را بررسی و بر این کتاب مقدمه نوشتند. پرفسور اولریش مارزلف پژوهشگر ارشد موسسه «دایره‌المعارف قصه‌های دنیا» وابسته به آکادمی علوم گوتینگن آلمان است که رساله دکترای خود را درباره قصه‌های ایرانی ارائه داده است.

مقدمه دوم را دکتر محمد جعفری قناتی، پژوهشگر برجسته فرهنگ عامه و قصه‌شناس مطرح کشور، بر این کتاب نوشته است. دکتر جعفری قناتی کار را قبل از انتشار، مشاهده و بررسی کردند. استاد جعفری قناتی با درستی تمام و تشویق و ترغیب‌های فراوان، بر این کتاب مقدمه نوشتند. دکتر جعفری قناتی عضو شورای علمی و ویراستار «دانشنامه فرهنگ مردم ایران» در مرکز بزرگ دایره‌المعارف اسلامی کشور و مدیر بخش مردم‌شناسی این مرکز است.

مقدمه سوم توسط گردآورندگان «افسانه‌های مردم سیرجان»، نوشته شده است که در مورد انگیزه، شیوه و ویژگی‌های کار خود در این کتاب، توضیحاتی را ارائه داده‌اند.



مقدمه پرفسور اولریش مارزلف

هر وقت کتابی از قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه ایرانی را باز می‌کنم، در نوعی خلصه از دنیای فانتزی و تخیلی می‌شوم که در عین دور بودن، خیلی نزدیک به من است. با خواندن این قصه‌ها هر دفعه باز شیفته و فریفته می‌شوم مثل زمانی که دوستان خوب و آشنایان قدیمی‌ام را ملاقات می‌کنم. سال‌هاست آنها را می‌شناسم اگر چه در قلب من و نزدیک به من هستند اما در گذر زمان ظاهری متفاوت پدید می‌آورند. با وجود اینکه قبلاً قصه‌ها و افسانه‌های زیادی در کتاب‌های متعدد خوانده‌ام اما نتوانم یک قصه عامیانه ایرانی، هرگز یک تجربه تکراری نیست. هر چند ممکن است این قصه و نتیجه اتفاقات درون قصه را بدانم اما واژه‌های به کار رفته در روایت‌ها همیشه متفاوت‌اند چون هر راوی به شیوه منحصر به فردی، قصه را روایت می‌کند و به آن شکل می‌بخشد. خواندن افسانه‌های ایرانی هیچگاه خسته‌کننده نیست بلکه همواره تجربه‌ای جذاب و لذتبخش است؛ گو اینکه دوستان قدیمی در کسوتی متفاوت ظاهر شوند؛ هم آشنایان صمیمی و قدیمی تو هستند و هم ناشناخته‌هایی جدید و جذاب روایت دارند.

این دوگانگی‌های بین گذشته و حال قصه‌های ایرانی، این ظرفیت بی‌پایان که می‌توانند دوباره و دوباره از نو ساخته شوند و همچنین توانایی تحسین برانگیز

راویان با استعداد برای ساختن روایت خاص خودشان از علت‌های اولیه است که شیفتگی عمیقی در من نسبت به قصه‌های ایرانی به وجود آورده است.

همانطور که پا به سن می‌گذارم، به دوره سی ساله پشت سرم نگاه می‌کنم و می‌بینم همین شیفتگی بوده که حس کنجکاوی علمی و شغل حرفه‌ای مرا پرورانده است. من خیلی خوش‌شانس بوده‌ام که بیشتر از سه دهه در مرکز «دانشنامه قلم‌ها و افسانه‌های عامیانه» که از طرف آکادمی علوم شهر گوتینگن و به زبان آلمانی منتشر شده است کار کرده‌ام؛ پانزدهمین و آخرین جلد این دانشنامه در اواخر سال ۲۰۱۵ چاپ شد. این کار حرفه‌ای، مطالب زیادی در مورد شیوه انتشار، متن، سانه‌های بومی و محلی در سراسر جهان و همچنین دانش تطبیقی ادبیات عامیانه من، موخت و همین‌ها بود که حساسیت مرا نسبت به ویژگی‌های قصه‌های بومی و منطقه‌ای سراسر جهان برانگیخت. زیرا هر بوم و منطقه، جزییات و مشخصات خاص، به قصه‌ها اضافه می‌کند تا هر کدام از آنها یک تجربه منحصر به فرد باشند.

شیفتگی و علاقه من به قصه‌های عامیانه ایرانی از روزگاری سرچشمه می‌گیرد که خیلی جوان‌تر از امروز بودم؛ همان دوره‌ای که به شدت به فرهنگ‌های خارجی علاقه داشتم. بسیار خوش‌شانس بوده‌ام که توسط والدین بزرگ شده‌ام که همواره به من این اجازه را دادند تا در جهان‌های ناشناخته، ریسمان‌های که به آنها علاقمند بودم، کنکاش کنم. درعین حال، این شگفتی از تفاوت‌ها و دگرگونی‌های جهان‌های ناشناخته و عجیب و غریب که مرا مجذوب و مسحور کرده بودند، علت شروع کنکاش‌های من نبودند. برعکس! چیزی که من به آن مجذوب شده بودم و هنوز هم هستم، کاوش در عناصر، سنت‌ها و دغدغه‌های مشترک بشری بود که فراتر از محل و منطقه و ملیت هستند. و افسانه‌های عامیانه عرصه ایده‌آلی برای ارضای کنجکاوی‌هایم بودند. این افسانه‌ها در سراسر جهان

شناخته شده‌اند، و به‌ویژه سنتی که پژوهشگران از آن با عنوان «سنت هندواروپایی» نام می‌برند، عناصر بنیادین فراوانی را به اشتراک می‌گذارند. اگر این عناصر مشترک، با ذهنیتی روشن و منصفانه، بررسی شوند، مطالب زیادی را در مورد ارزش‌ها و دغدغه‌های انسانی، در مورد نگرانی‌های مشترک اخلاقی و در مورد انسانیت به ما خواهند آموخت.

برای تحقیق درباره عناصر مشترک قصه‌ها و بن‌مایه‌های آنها، «آنتی‌آرنه» فلکلورشناس دانلندی، فهرستی از قصه‌های عامیانه بین‌المللی را طراحی کرد که بعداً توسط فلکلورشناس آمریکایی «استیث تامپسون»، ترجمه و گسترش یافت و تکمیل شد.

این فهرست با بقیه‌ی واضح قصه‌ها و با استفاده از هزاران مرجع قصه‌ای، یک ابزار محسوب می‌شود و مانند هر ابزاری که بشر اختراع کرده، هدفی خاص را دنبال می‌کند و با دستورالعمل مشخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فهرست یک بیانیه قطعی برای وجود یا عدم وجود قصه‌ها نیست، همچنین نه قصد دارد که به عنوان ابزار تحلیلی جهت بررسی موضوع و ساختار قصه به کار رود و نه بر سر آن است که تحلیلی روانشناختی ارائه دهد. این فهرست، تنها به سادگی، قصه‌ها را طبقه‌بندی می‌کند تا استفاده کنندگان به راحتی قادر به شناسایی روایت‌های مختلف از یک قصه باشند و نیز بدانند که آیا آن قصه در سنت‌های بومی دیگر وجود داشته است یا خیر.

از همان آغاز، پژوهش‌های بین‌المللی، از جایگاه برجسته فرهنگ‌نامه ایرانی آگاه بوده است. افسانه‌های ایرانی قطعاً قدیمی و اصیل هستند هرچند که به ندرت از زمان دقیق آن‌ها آگاهی داریم. سنت‌های ایرانی پیشینه باستانی و کهن خود را حفظ کرده است؛ این سنت‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی ممتاز ایران، در طول ادوار و قرون مختلف، تحت تاثیر بسیاری از فرهنگ‌ها و سنت‌های همسایگان

خود غنی شده است. علاوه بر این حتی امروزه در عصری که جوانان به جای گوش دادن به قصه‌ها و افسانه‌های قدیمی، در تلفن‌های همراه خود، گپ می‌زنند و در اینترنت مشغول جستجو می‌باشند، اما همچنان افسانه‌های ایرانی غنی هستند و تعداد قصه‌گوهای با استعداد نیز فراوان است در عین حال، این قصه‌ها به ندرت به شیوه‌ای مناسب مستند شده‌اند.

تسمه‌های عامیانه ایرانی زیادی تاکنون منتشر شده است اما متن اکثر آنها به زبان ادبی و کتابی بازنویسی شده است. پس این باعث خوشحالی و افتخار برای من است که این مقدار کوتاه را برای مجموعه‌ای از افسانه‌های سیرجان می‌نویسم که نه تنها از لحاظ شیوه، شتاری متفاوت است بلکه می‌تواند الگویی باشد برای کارهای آینده.

قصه‌ها خیلی بیشتر از یک متن هستند. آنها به یک رسانه نیاز دارند و رسانه قصه، راوی آن است. قصه‌ها هیچ‌گاه از معنا تهی نیستند و این راوی قصه است که معنا را می‌سازد و به قصه‌ها می‌بخشد. راوی‌ها، قصه‌ها را به یک فرم ثابت و تکراری نقل نمی‌کنند که محققان آن فرد خاص را طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل کنند. قصه‌ها و افسانه‌ها همواره بخشی از فرهنگ عام و به می‌باشند و برای آنکه برای مخاطب جذاب باشند، اغلب به زبان و گویش محلی ارایه شوند.

مجموعه حاضر این معیارها را رعایت می‌کند. آقای مجتبی سب‌افشارزاده و خانم نجمه نورمندی پور تلاش قابل توجهی برای جمع‌آوری افسانه‌ها و قصه‌های شفاهی منطقه خود، سیرجان، داشته‌اند. آنها از اهمیت منحصر به فرد بودن روایت هر قصه‌گو، آگاه هستند و به مناطق مختلف سیرجان رفته‌اند تا مستعدترین راوی‌ها را بیابند. آنها قصه‌های آن ناحیه را اولاً ضبط کرده و سپس برای پیاده‌سازی قصه‌ها، ساعت‌ها وقت گذاشته‌اند، با این هدف که تا جایی که ممکن است به اصل روایت هر قصه‌گو وفادار بمانند. این ویژگی‌ها نه تنها سزاوار نهایت ستایش

است بلکه معیارهای بسیار ضروری برای ثبت اسناد به شکلی هرچه نزدیکتر به محیط اصلی که در آن ارائه شده‌اند، برای نسل آینده محسوب می‌شوند؛ چیزی که به زودی با مرگ راویان پیر، از دست خواهد رفت.

اگر هدف ما حفظ ارزش‌های جامعه برای نسل‌های آینده باشد، اگر بخواهیم مردم صد سال آینده بدانند ایران در زمان ما چگونه بوده است، اگر ما تلاش داریم تا محققان نسل‌های آینده قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی را تا جایی که ممکن است به همان صورتی که بوده در دسترس داشته باشند و مطالعه کنند، باید به شدت به این معیارها وفادار بوده و آنها را رعایت نماییم.

مرحوم، بواله‌سمانی شیرازی اولین محقق ایرانی بود که با تکیه به روش‌های علمی قصه‌ها و افسانه‌ها را به‌دانه ایرانی را ثبت و منتشر کرد. اگرچه او زنده نماند تا تلاش‌های به ثمر نشسته خود را نظاره‌گر باشد اما او با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر تلاش کرد تا خوانندگان و نیز، خاندان ایرانی، در کی درست از ماهیت قصه‌های عامیانه داشته باشند.

اگرچه بخش عمده‌ای از قصه‌های عامیانه، با سلاطین شخصی تهیه و گردآوری شده‌اند اما همواره بخش قابل توجهی از یک فرد گنگ و سنت می‌باشند؛ قصه‌های عامیانه بخشی از یک فرهنگ و سنت بزرگتر محسوب می‌شوند که در عین حال به شیوه‌هایی فردی اجرا و ارائه می‌شوند. این قصه‌ها پلی بین گذشته و رد هستند. آنها مناسب‌ترین وسیله برای درک ارزش‌ها و دغدغه‌های مشترک مردم ما و خود ما هستند. مورخان، تاریخ را به شکل مجموعه‌ای از حوادث و تصمیمات ثبت می‌کنند که در آن شخصیت‌های مهم نقش محوری داشته‌اند. کمتر راجع به مردم عادی که باعث شده‌اند این شخصیت‌های بزرگ، به موفقیت دست یابند صحبت می‌شود در حالی که این مردم هستند که تاریخ را می‌سازند. مردم تاریخ را به سادگی و منفعلانه تجربه نمی‌کنند، آنها تاریخ را شکل می‌دهند و آن را

تبدیل به رویدادهای مهمی می‌کنند که رد پای آنان را برای نسل‌های آینده و برای انتقال به آیندگان ثبت می‌کند. قصه‌ها بخشی از تاریخ ما هستند؛ آنها بخشی از میراث معنوی فرهنگ جوامع ما هستند. قصه‌ها به شدت در معرض تغییرند و در عین حال ظرفیت شگفت‌انگیزی در حفظ ارزش‌های بنیادین یک جامعه دارند.

قصه‌ها هرگز از بین نمی‌روند اگرچه ممکن است تغییر شکل دهند. انسان‌ها ذاتاً موجوداتی قصه‌گو هستند و اگر ظرفیتی نقصان‌ناپذیر برای آدمی وجود داشته باشد، آن ظرفیت روایتگری تجربه‌های فردیست که در قالب قصه‌هایی با درونمایه جدی صورت می‌گیرد.

برای من به‌عنوان یک محقق آلمانی، افتخار بزرگی است که برای معرفی این اثر نوشته‌شده توسط همکاران ایرانی خود، دعوت شده‌ام. من این را نشانه‌ای برای به ثمر نشستن تلاش‌هایم و پیوستن من مطالعات و تحقیقاتم در حوزه قصه‌های عامیانه ایرانی می‌دانم. ایران مرکز تحقیقات من در طی سه دهه گذشته بوده است و به دلایل فراوانی می‌توان گفت ایران خانه معنوی من است.

آگاهی از اینکه قصه‌های ایرانی چاپ شده در کتاب «توپوز قلی میرزا» که چندین سال قبل منتشر شده است، منبعی الهام‌بخش را می‌داده‌آوردگان کتاب افسانه‌های سیرجان بوده است، احساس خرسندی ویژه‌ای را من می‌بخشد. اصالت کتاب «توپوز قلی میرزا» در اجرا و روایتگری قصه‌گویان مختص آن است. قصه‌های این کتاب توسط پژوهشگر ایرانشناس، «الول ساتن» که انگلیسی‌تبار بود به ثبت رسیده است. این قصه‌ها بعدها از روی نمونه ضبط شده روی نوار، توسط دو همکار ایرانی، سید احمد و کیلیان و خانم زهره زنگنه، زیر نظر من و در چارچوب یک پروژه تحقیقاتی با بودجه انجمن تحقیقاتی آلمان، آماده شد. این کتاب گواهی است بر یک همکاری طولانی مدت بین‌المللی که برای قصه‌ها جایگاه

واقعی‌شان را در نظر گرفته: مجموعه‌ای منحصر به فرد از یک سنت بومی بسیار ارزشمند، میراثی معنوی و فرهنگی که فرای نگرانی‌ها و تنگ‌نظری‌های منطقه‌ای و ملی قرار می‌گیرد.

بسیار خرسندم که مخاطبان - و امیدوارم مخاطبان بسیاری - را به مطالعه این مجموعه نو، جذاب و هیجان‌انگیز از قصه‌های ایرانی دعوت کنم. باشد که خوانندگان تلاش‌های قصه‌گوها و نیز پژوهشگران این مجموعه را به یاد بسپارند و باشد که خازنه‌های ارزش‌های غنی قصه‌های ایرانی را ارج نهند.

این افسانه‌ها چونان گوهرهایی گرانبها هستند؛ نه گوهرهایی که بتوان همچون نفت و گاز و سایر منابع طبیعی روی آنها با پول قیمت گذاشت. ارزش این گوهرها به مراتب فراتر از محاسبات مادی می‌باشد. ارزش آنها در درون تاریخ‌شان، در ارزش‌های اخلاقی‌شان و در لذت خواندن آنها نهفته است. در این صورت است که خوانندگان به فرهنگ و ریشه اصیل ایرانی نزدیک خواهند شد و ارزش‌هایی را که جامعه ایرانی به جهان قدمت کرده است در یاد خواهند سپرد.

پروفسور اولریش مارزلف

گوتینگن ۱۱/۱۱/۲۰۱۶ ژانویه



مقدمه دکتر محمد جعفری قنواۛی:

در سال‌های اخیر رویکرد علمی به ادب شفاهی بیشتر شده است. یکی از مصادیق این رویکرد، به‌گونگی ثبت و ضبط انواع متفاوت ادب شفاهی است که به طور عمده از سوی پژوهشگران محلی انجام می‌گیرد. پژوهشگرانی که با فرهنگ، آداب، رسوم، زبان، گویش منطقه خود آشنایی دارند. همین نکته و نیز حضور مداوم آنها در زمینه موفقیت بیشتر آنها را فراهم کرده است.

اگر در گذشته برای ثبت روایت‌های شفاهی و دیگر اجزای فولکلور، پژوهشگرانی از پایتخت به مناطق دور می‌رفتند، امروز در هر منطقه این کار را پژوهشگران همان منطقه انجام می‌دهند. تا همین امروز نتیجه کار این پژوهشگران انتشار ده‌ها کتاب ارزنده بوده است به گونه‌ای که امروز درباره فولکلور هر استان چند کتاب ارزشمند در دسترس پژوهشگران قرار دارد. مثلاً اگر تا همین چند سال پیش، کتاب فرهنگ مردم کرمان، لیلی لوریمر تنها اثر پژوهشی در این حوزه بود، امروز به همت پژوهشگران منطقه کرمان، مانند مه‌ری مویّد محسنی، دکتر محمدرضا صرّفی، منصور عزیزی، علی‌اکبر ربیعی، زهرا حسینی، منصور علیم‌رادی و... ده‌ها کتاب در این زمینه منتشر شده است.

از جمله پژوهشگران جوان منطقه کرمان، پدیدآورندگان کتاب حاضر آقای مجتبی شول افشارزاده و همسرش خانم نجمه نورمندی‌پور هستند. آقای شول افشارزاده روزی به بنده تلفن کردند و درباره کارشان گردآوری و ثبت روایت‌های شفاهی سیرجان و آبادی‌های سیرجان توضیح دادند. قرار ی گذاشتیم

و او به همراه همسرش زحمت کشیدند و به «مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی» آمدند. به همراه خود کتابی حروف چینی شده داشتند شامل روایت‌های شفاهی از افسانه‌ها، قصه‌ها و حکایت‌هایی که در سیرجان و آبادی‌های سیرجان ثبت کرده بودند. کار ثبت، ضبط و گزارش آنها به شکلی کاملاً علمی انجام شده است. یعنی آنچه را راوی نقل کرده است، بر روی کاغذ آورده‌اند. این موضوع باعث می‌شود که افزون بر پژوهشگران حوزه فلک‌لور، زبان‌شناسان نیز از این مجموعه استفاده کنند. اما این تنها ویژگی مجموعه حاضر نیست. گردآورندگان مجموعه در ابتداء هر روایت، راوی آن را معرفی و تصویر او را نیز چاپ کرده‌اند. این کار اگرچه پیش از این توسط برخی دیگر از پژوهشگران از جمله منصور علیم‌رادی هم‌ولایتی پدید آورندگان این مجموعه، صورت گرفته اما باید گفت هنوز در میان پژوهشگران، عمومی نشده است.

در این مجموعه روایت‌هایی بسیار بدیع و جالب وجود دارد؛ از جمله می‌توان به «دختر خون و برف» روایتی ویژه از تیپ ۴۸ آرنه تامپسون اشاره کرد. نکته دیگر، توجه گردآورندگان به روایت‌هایی است که خاص و ویژه منطقه آنهاست؛ روایت‌هایی که از لحاظ نوع‌شناسی ادب شفاهی در ردیف افسانه قرار نمی‌گیرند بلکه باید از آنها با عنوان حکایت یاد کرد مانند روایت «آل و قوم شول». معمولاً بسیاری از پژوهشگران محلی به این گونه روایت‌ها که جنبه‌های داستانی آنها ضعیف است، توجه چندانی نمی‌کنند اما مجتبی سول افشارزاده و نجمه نورمندی پور با ثبت چنین روایت‌هایی، نشان داده‌اند که پژوهشگرانی آگاه در حوزه ادب شفاهی هستند.

دکتر محمد جعفری (قنواتی)

تهران / اسفند ۱۳۹۴

مقدمه گردآورندگان:

مقدمه ای برای رنج شیرین قصه‌ها:

صفحات این کتاب چیزی نیستند جز دهان‌های روایتگر مردان و زنان کهن سرزمینم که آخرین افسانه‌ها را از مجموعه‌های خویش به زمین می‌گذارند تا پس از قرن‌ها، کلمه شوند در واقع، راویان امروزی این کتاب، دهن به روایت راویان قرن‌ها خفته در خاک سیرجان، باز کرده‌اند تا شاید شمه‌انی از آن قصه‌های شفاهی سیرجان برجای بماند.

خیلی وقت است که روایت‌های سرزمین، همراه با آدم‌ها خاک می‌شوند؛ در نبض امروز زمان هم، حافظه راویان زنده‌ایی چون «دش‌یدالله نصرت‌آبادی» نیز سنگ شده است؛ بنابراین جمع آوری افسانه‌ها و قصه‌های سیرجان با همان روایت واقعی و بومی، برای ما، در آوردن شیشه عمر بود از توی دهان دیو.

همین جا مهم است بگویم از آنجایی که قصه‌ها و افسانه‌ها، ریشه‌های مشترک دارند، قبلاً جمع‌آوری بسیاری از آنها در کشور ما، ابتدا توسط اروپایی‌ها و مدتی هم هست توسط پژوهشگران ایرانی انجام شده است؛ در واقع بسیاری از قصه‌های مشترک طی سال‌های اخیر جمع‌آوری شده‌اند؛ اما آنچه که برای ما اهمیت

داشت، ثبت «روایت سیرجانی» این قصه‌ها بود؛ با لحن و لهجه و لغات شفاهی مردم سیرجان بود. ضمن آنکه روایت‌های ناب، مختص سیرجان هم ثبت شد. سیرجان این کهن مرکز ایالت کرمان، همواره راویانی داشته است که طی سال‌ها و سده‌ها، افسانه‌ها و قصه‌ها از باورها و زیست‌شان روایت کرده‌اند به سینه‌ها تا برسد به ما. قصه‌هایی برای شنوندگانی که پیر شدند و مُردند یا اکنون حافظه‌شان سست شده است و کسی شکل شفاهی روایت‌شان را ضبط نکرد. بنابراین خیلی دیر برای حفظ شکل شفاهی قصه‌های فلکلورمان قدم برداشته‌ایم.

روایت شفاهی هر قوم، اسناد هویت آن قوم یا ملت هستند که اگر قومی در جمع‌آوری و ثبت آن‌ها نکوشد، اصالت خود را از دست خواهد داد. آن مردمی که روایت‌های شفاهی سرزمین خویش را ثبت کنند و از بر داشته باشند، در واقع خویش‌شن خویش را آور کرده‌اند و آنگاه است که جهان نیز آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد و جهانی می‌شوند؛ چنان‌بوم و صدای خویش را دارند.

بنابراین جمع‌آوری این افسانه‌ها و قصه‌ها که شیرین‌ترین و شیواترین شیوه روایت‌های شفاهی هستند، هم تلاشی ردیابی ثبت صدای جمعی مردم سرزمین‌مان و هم گامی بود برای زیستن با هویت خویش.

آنچه که عامل واقعی و عملی جمع‌آوری این افسانه‌ها شده است، ایده همسر من نجمه نورمندی‌پور بود که همیشه در کنار «قصه‌های برادران گریه» کتابی به نام «توپوز قلی میرزا» توی دستش بود و آن را به تحسین و حسرت می‌خواند یا ورق می‌زد و می‌گفت باید برای سیرجان چنین کاری را انجام بدهیم!

کنجکاو شدم؛ در کتاب «توپوز قلی میرزا»، با قصه‌هایی روبرو شدیم که گویش و عین روایت راویان محلی را حفظ می‌کرد و قصه به نام راوی نوشته شده بود؛ هرچند ممکن بود قصه در جاهای دیگر هم نوشته و چاپ شده باشد اما این روایت‌ها به طور زنده‌ایی شفاهی بودند.